

آموزش و به کارگیری احکام فقهی؛ ایجاد انگیزش دینی برای تعامل مسئولانه و اخلاقی با محیط زیست

رضاعلی کرمی* - استادیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Training and development of jurisprudence, motivate religious and moral responsible for interaction with the environment

Abstract

Humans in terms of social and cultural conditions responsibly or irresponsibly towards the environment have expressed reactions. Shiite, as powerful spiritual authority and compelling environment for a person knows. And it has the legal right and knows that must be met. Ahead article seeks to answer the question that is systematic and objective conceptual tool to meet and interact with the environment we have? Shiite religious and moral system meets the legal system and applied ethics of nature. And the believers with little scrutiny and reflection can train and recruit a few simple and clear rule, more responsible approach towards maintaining and expanding adopt environment. What the man of the law, as it can not violate someone's rights. When exposure is required and the efficiency of its nature as a coherent whole, purposeful and have the character and rights to know. And in return for productivity, the maintenance and development it was also replaced. And otherwise ensure that crime is forbidden. The mechanism of training - thanks to some carefully applied within the framework of the rule of law, "no harm" and "waste" has been formulated and presented.

Key words: environment, engage responsibly, pollution, the no harm principle, rule dissipation.

چکیده

انسان‌ها برحسب شرایط اجتماعی و فرهنگی واکنش‌های مسئولانه یا غیرمسئولانه نسبت به محیط زیست ابراز کرده‌اند. فقه شیعه، به عنوان نهاد معنوی قدرتمند و الزام‌آور، محیط زیست را ابزاری برای انسان می‌داند و آن را دارای حق و حقوقی می‌داند که باید برآورده شود. مقاله پیش رو در پی پاسخ نظام‌مند به این پرسش است که ابزار مفهومی و عینی ما برای رویارویی و تعامل با محیط زیست کدام است؟ به نظر می‌رسد سیستم فقهی و اخلاقی شیعه واجد نظام حقوقی و اخلاق کاربردی استفاده از طبیعت است و مؤمنان با اندکی تأمل و ژرف‌نگری می‌توانند با آموزش و به کارگیری چند قاعده ساده و صریح و روشن، رویه مسئولانه‌تری در قبال حفظ و گسترش محیط زیست در پیش بگیرند؛ چه آن که انسان عامل به فقه، همان‌گونه که نمی‌تواند حق کسی را ضایع کند، هنگام مواجهه و بهره‌وری از طبیعت نیز موظف است آن را مانند یک کل منسجم، هدف‌دار و دارای شخصیت و حقوق بداند و در ازای بهره‌وری، حق نگهداری و توسعه آن را نیز به جای آورد و در غیر این صورت ضامن است و مرتکب عمل حرام شده است. این ساز و کار آموزشی - کاربردی به مدد چند دقت فقهی در چارچوب دو قاعده «لاضرر» و «اتلاف» صورت بندی شده و ارائه شده است. **واژگان کلیدی:** محیط زیست، تعامل مسئولانه، آلودگی، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف.

«به محیطی که فرایند حیات را در بر گرفته و عناصر آن بر یکدیگر تأثیر و تأثر داشته باشند محیط زیست گفته می شود». (بهرام-سلطانی، ۱۳۷۱، ص ۶) و در تعریف آلودگی (یا تخریب) محیط زیست گفته اند: «هر آن چه توازن محیط زیست را بر هم زند و تغییری نامطلوب در ویژگی های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی آب، هوا، یا زمین ایجاد کند؛ به نحوی که تهدیدی برای سلامت و بقای انسان و دیگر موجودات زنده به شمار آید، آلاینده محسوب می شود» (دبیری، ۱۳۷۵، ص ۱۱). این دو تعریف اساسی و ساده برای پیش برد طرح مسئله کافی است. پرسش اصلی مقاله این است که راهکار فقه برای برون رفت از بحران زیست محیطی چیست؟ آیا قربانی خسارت، انسان است یا محیط زیست؟ چنانچه محیط زیست متحمل خسارت باشد، بدین معنا خواهد بود که منابع زیست محیطی از لحاظ فقهی و حقوقی مستقل انگاشته شده اند و خسارت به زندگی انسان، جنبه عرضی خسارت به محیط زیست است. به نظر می رسد در دیدگاه اسلامی طبیعت دارای ارزش ذاتی است؛ زیرا انسان، فارغ از سودهای کلانی که از طبیعت برده است، باید آن را در هیئت مخلوق خداوند در نظر بیاورد و حقوق آن را شناسایی و محقق کند؛ چنان که «اگر جهان را عرصه آزمایش برای رشد و تکامل بدانیم، درمی یابیم که خداوند متعال برای سیر بهتر انسان در دنیا و رسیدن به لقای او همه امکانات را فراهم کرده است که از طبیعت و محیط زیست از جمله آنهاست» (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۶۳). بنابراین زندگی مؤمنانه، یعنی رؤیت خداوند در همه مظاهر خلقت، طبیعت و هر چه در عالم خلقت است، بیان گر بزرگی خداوند است و از همین روی مؤمنان بیش از سایرین به طبیعت و مظاهر آن عشق ورزیده و در استفاده از آن پروای بیشتری دارند و به شکرانه نعمت و برای استفاده درست و مستمر، از تخریب آن پرهیز می کنند؛ چنان که

خداوند در قرآن می فرماید: «و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند» (جاثیه، ۱۳).

این آیه نشان می دهد که محیط زیست در نظر اسلام، صرف بهره برداری و رفع حوائج نیست و انتظار خداوند از انسان، تأمل و تدقیق و نتیجه گیری درباره خالق است؛ یعنی خداوند با نام بردن زمین و آسمان، اشاره ای ظریف به محیط زیست دارد که افزون بر رفع نیازهای زندگی، موضوعی عبرت آموز برای بشر است؛ از این رو شأنی دارد که آن را از صرف ابزار بیرون می آورد. بنابراین انسان همواره باید دو رویکرد را نسبت به طبیعت پیش بگیرد و نسبت به حفظ این دو رویکرد برای آیندگان نیز حساس باشد؛ یعنی رویکرد بهره برداری و رویکرد تأمل. رویکرد تأمل متضمن استفاده از طبیعت به شرط تعامل مسئولانه نسبت آن است. این مفهوم با توجه به آموزش، انگیزش و در نهایت به کارگیری دقت های فقهی به دست می آید.

برای شکل دادن به چارچوب این مدعا، ابتدا به مدد قواعد فقهی فقه اسلامی در قالب دو قاعده «لاضرر» و «قاعده اتلاف» حرمت تخریب محیط زیست را به صراحت نتیجه گیری می کنیم و با تعریفی که از «فساد» ارائه می دهیم، هر نوع تخریب و آلاینده گی در محیط زیست را در زمره امور فاسد قرار خواهیم داد و در نتیجه با فرض انسان شریعت مدار، نقشه راه تعامل مسئولانه و اخلاقی با طبیعت را در چارچوب فقه امامیه ترسیم می کنیم. حقوق محیط زیست

به نظر بعضی از متفکران اسلامی، فساد بر دو قسم است: فساد معنوی که در حوزه عقیده و اخلاق رخ می دهد و هر نوع انحراف از عقاید توحیدی و اصول اخلاقی را شامل می شود. و فساد مادی که همه اشکال تعرض به محیط پیرامون بشر اعم از محیط های اجتماعی و طبیعی، از جمله استفاده نادرست و زیان بار از منابع و امانات طبیعی را شامل

می شود (قرضاوی، ۲۰۰۶، صص ۲۲۰-۲۳۱). بر مبنای تعریف فساد و توضیحات بالا می توان گفت که در فقه اسلامی اولاً، محیط زیست از اهمیت و ارزش ذاتی برخوردار است و ثانیاً، محیط زیست و مصادیق تعرض به آن از گستره ای وسیع تر از مفهوم حقوقی آن برخوردار است و هر آنچه به حیات معنوی و مادی انسان مربوط می شود در گستره این مفهوم قرار می گیرد و هر چه تهدیدی علیه معنویت، باورها و فضایل اخلاقی یا عناصر تامین کننده زندگی مادی انسان به حساب آید، آلاینده چنین محیطی قلمداد می شود و مقابله با آن به تکلیف فردی و اجتماعی انسان تبدیل می گردد.

تأثیر محیط زیست بر انسان از نگاه دین

با بیانی موجز و مختصر اثرات عمیقی که محیط زیست بر جان آدم ها می گذارد و از این حیث درخور داشتن حقوق است را توضیح می دهیم. محیط طبیعی که انسان در آن رشد می کند، سبب تأثیری عمیق بر کنش های او می شود. در نگاه روایات، یکی از ضروریات زندگی گوارا و به تبع آن رضایت از زندگی، بهره داشتن از طبیعت است؛ چنان که امام صادق (ع) فرمودند: «زندگی گوارا نمی شود، مگر آن که انسان از سه نعمت بهره مند شود؛ هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصل خیز» (مجلسی، بی تا، ج ۷۵، ص ۲۳۴). مناطق سردسیر، مناطق گرمسیر، مناطق معتدل و سایر مناطق هریک نوعی روحیه و اخلاق را در انسان رقم می زنند. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۹۰) از این رو مباحث زیست محیطی از منظر اسلام به سه دسته مباحث مربوط به جسم، مربوط به تلفیقی از جسم و روح و مباحث زیست محیطی مربوط به روح تقسیم می شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۸۷). ابن سینا نیز بر این باور است که آب و هوای محل سکونت، نه تنها بر رنگ پوست و زیبایی اندام اثر می گذارد، بلکه خلق و خوی انسان را نیز شکل می دهد. افزون بر ابن سینا، مورخ مشهور؛ ابن خلدون

نیز در باب تأثیرات محیط طبیعی معتقد است که ساکنان مناطق معتدل، که از گرمای سوزان جنوب و سرمای کشنده شمال کره زمین در امان اند از حیث خلق و خوی و صورت و سیرت در اعتدال قرار دارند و برای ایجاد تمدن و عمران و اقتصاد و هنر و دانش مناسب تر هستند. وی دلیل بعثت بیشتر انبیاء در این مناطق گرمسیری را در همین نکته می دانست. او متذکر می شود که دوری از اعتدال در آب و هوا سبب دوری از دانش و دین و نیز دوری از رفتارهای معتدل انسانی می شود. (رستمی، ۱۳۸۶، صص ۴۸-۴۶). به طور کلی آلودگی زیست محیطی از جمله آب، هوا و گیاهان و حتی آلودگی صوتی پیرامون ما ناشی از نقض تعهدات فقهی در برابر آنهاست که در بسیاری از موارد موجب ضمان و مسئولیت مدنی خواهد بود. شناخت مالک حقیقی محیط زیست

خداوند به صراحت زمین (طبیعت) را ملک خود معرفی می کند و بر حسب این مالکیت آن را می تواند به هر کدام از بندگان که می خواهد اعطا کند (اعراف، ۱۲۸)؛ از این رو دستور خداوند سبب شد تا طبیعت در دست انسان باشد تا حواجی خود را برطرف نماید (ابراهیم، ۳۲) و در آن به آرامشی ژرف برسد (طه، ۵۳). از آنجایی که مالکیت به بندگان نیک می رسد و آنها مالکیت خود را نیز از خداوند می دانند (انالله و انا الیه راجعون)، به اجمال می توان دریافت که برای طبیعت و محیط زیست، مالکیتی غیر از خداوند وجود ندارد. در نگاه مؤمنانه ملک خداوند با دیده منت نگاشته می شود و نگاهی از آن فعلی ثواب، و تخریب آن حرام است. پس عدم مراقبه از میراث طبیعی، پشت کردن به نعمات الهی و در نتیجه مذموم و مردود است. تا این جا به طور ضمنی گزینه هایی روشن از مالکیت خداوند بر محیط زیست، تأثیرات آن بر زندگی انسان و لزوم حفظ و بهبود آوردیم. نگارنده بر این باور است که با آموزش و تأکید بر چهار دقت فقهی و نیز با بررسی دو قاعده فقهی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۳۱

«لاضرر» و «قاعده اتلاف» می توان انگیزشی فقهی در مؤمنان پدید آورد تا با نگاهی کلان تر و مسئولانه تر به محیط زیست روی بیاورند. چهار آموزه فقهی در مواجهه با محیط زیست از دیدگاه اسلام آلودگی و تخریب محیط زیست حرام است؛ چرا که سبب فساد می شود و فساد، مفهومی است که افزون بر در بر گرفتن گناهان مشهور، همه مضرات از جمله کارهای مضر نسبت به محیط زیست را در بر می گیرد؛ چنان که خداوند در سوره روم فرمود: «تباهی و خرابی در دریا و خشکی نتیجه کارهایی است که مردم انجام داده اند. خداوند نتیجه ناخوشایند برخی از کارهایی که انجام داده اند را بدیشان می چشاند...» (روم، ۴۱).

۱. نهی از تغییر و دگرگونی در مظاهر خلقت

تغییر خلقت از مظاهر تخریب و آلودگی محیط زیست است و از این عمل به مثابه عملی شیطانی و منکر به شدت نهی شده است. خداوند در سوره نساء به عهدهی که شیطان بسته است اشاره می کند و از قول شیطان یادآور می شود که «و حتماً آنان را گمراه می کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می گردانم و بدیشان دستور می دهم گوش های چارپایان را قطع کنند و وضع طبیعی مخلوقات خداوند را دگرگون کنند». (نساء، ۱۱۹). از این آیه می توانیم نتیجه گیری کنیم که در مواجهه با محیط زیست باید حتماً این نکته را در نظر داشت که بهره وری از طبیعت نباید منجر به دگرگونی آن شود. برای مثال تغییر اقلیم آب و هوایی یک منطقه به منظور ایجاد کارخانه، افزون بر دگرگونی در طبیعت، متضمن آوارگی موجودات زنده، سخت شدن شرایط تنفس و آلودگی و بر هم خوردن نظم طبیعت است، مگر آن که با در نظر گرفتن کلیت زیست محیطی منطقه و با صرف هزینه و دقت، به همان میزان محیط طبیعی فراهم شود و خسارت وارد شده جبران گردد.

۲. نهی از آزار و اذیت و اضرار

آزار و اذیت و اضرار به نفس و به دیگران در نظر اسلام مذموم است؛ چنان که پیامبر اسلام (ص) از آن به شدت نهی کردند و فرمودند: «مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند» (مسلم، بی تا: ج ۱، ص ۱۳). همچنین بر اساس قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»، تخریب محیط زیست با استفاده از اتومبیل شخصی و آلوده کردن هوای شهر، در حالی که امکان رفع حوائج با دیگر وسایل نقلیه جمعی و پاک میسر باشد، نمونه اذیت و آزار و ضرر به موجودات زنده (از جمله انسان) است و بنابراین مردود است.

۳. نهی از تخریب محیط زیست بدون ترجیح بالاتر

خداوند در سوره بقره می فرماید: «هر کس نعمت خدا را دگرگون کند، پس از آن که به وی عطا شد، بداند که بی گمان خداوند او را سخت عقاب خواهد کرد» (بقره، ۲۱۱). با توجه به این آیه و با توجه به دیگر ملاک هایی که ارائه شد، به نظر می رسد نمی توان ترجیحی بالاتر از بقای انسان و محیط زیست و تکریم مظاهر خلقت پیدا کرد، مگر با جبران خسارت به نحو احسن. بنابراین آلودگی هوا به دلیل تولید کارخانجات (که اغلب به دلیل سهل انگاری و عدم توجه به پیامدهای زیست محیطی پدید می آیند) نمی تواند توجیهی برای تولید ثروت و رفع بی کاری باشد؛ چرا که مصلحتی بزرگ تر زیر پای می گذارد و از این جهت مردود شمرده شده است.

۴. نهی از اسراف و زیاده روی

اسراف در سنت اسلامی، فعلی قبیح و منکر است و خداوند به صراحت اعلام کرده است که مسرفین را دوست نمی دارد؛ چنان که در سوره اعراف فرمود: «... [بخورید و بیاشامید، ولی زیاده روی نکنید» (اعراف، ۳۱). به نظر می رسد که حفظ تعادل در مصرف، تعادل در چرخه طبیعت را به دنبال دارد؛ چرا که خداوند همان طور که مؤمنان را به

تعدیل نفس و بهره‌وری (به اندازه) از مواهب طبیعی فرامی‌خواند، حفظ تعادل طبیعت و احترام به آن را نیز می‌ستاید که گزاره نخست، شرط ضروری تحقق گزاره دوم است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مراقبه از نفس برای برآورده کردن عادلانه نیازها، صدمه‌ای به کلیت محیط زیست وارد نمی‌کند و انسان‌ها اگر با چنین رویکردی از مصرف‌گرایی و سودگروی دوری کنند، افزون بر آن که رضایت خداوند را جلب می‌کنند، در تعاملی سازنده و مثبت با محیط زیست قرار می‌گیرند و می‌توانند بقای خویش را در دنیایی به مراتب پاکیزه‌تر و زنده‌تر رقم بزنند. اکنون به دو قاعده فقهی که به صورت صریح ضرر و اتلاف در محیط زیست را مردود می‌شمارند اشاره می‌کنیم تا بتوانیم چهار آموزه فقهی فوق را در چارچوب این دو قاعده عینی‌تر فهم کنیم.

۱. قاعده «لاضرر»

قاعده «لاضرر» از مشهورترین و کاربردی‌ترین قواعد فقه است که ابواب و مسائل فقه به آن استناد می‌کنند. دامنه این قاعده بسیار گسترده است و در بسیاری از ابواب فقه کاربرد دارد. البته تبیین‌های مختلفی از مفاصل قاعده لاضرر شده است؛ از جمله نفی حکم ضرری، نفی ضرر از راه نفی موضوع، نفی ضررهای غیر متدارک و نهی از ایراد ضرر (شهابی، ۱۳۵۰، ص ۳۰). تبیین‌های اشاره شده هر کدام به نوعی به حفظ محیط زیست به عنوان منفعت یا مصلحتی عمومی و لزوم دفع یا رفع ضرر از آن مربوط می‌شود. قاعده مورد بحث البته بیشتر بر وجه سلبی موضوع، یعنی حرمت رفتار زیان‌بار با محیط زیست دلالت دارد، ولی از راه همین دلالت می‌توان نتیجه گرفت که وجه ایجابی آن یعنی محافظت از محیط زیست هم مورد التفات و اعتبار شارع بوده است. اگر ایراد ضرر به موضوعی شرعاً ممنوع باشد، معلوم می‌شود که آن موضوع در دیدگاه شرعی خود یک ارزش قابل حمایت است؛ چرا که در سیره عقلا و تفاهم متشرعه هر جا منعی

و عقابی هست، حتماً پای ارزشی قابل حمایت در میان است. روایات قاعده لاضرر در حد تواتر است. در روایات امامیه، قاعده لاضرر به سه عبارت، بیان شده است:

۱. امام صادق (ع) فرمودند: «رسول خدا درباره آب نخلستانها، میان مردم مدینه چنین حکم فرمود که نباید اضافه چیزی را از دیگران منع کرد، و در میان بادیه نشینان چنین حکم فرمود که برای جلوگیری [استفاده دیگران] از زیادی مرتع نباید جلو استفاده آنها را از زیادی آب گرفت و فرمود صلی الله علیه و آله: زیان رساندن به یکدیگر ممنوع است» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۸۰).

۲. پیامبر اسلام (ص) خطاب به سمره بن جندب فرمودند: «إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَرَّ وَلَا ضِرَارَ عَلَى مُؤْمِنٍ»؛ «تو مرد ضرر رسان هستی و ضرر و زیان بر مؤمن جایز نیست» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۹۴).

۳. امام صادق (ع) همچنین فرمودند: «رسول خدا (ص) در بین اهل مدینه در خصوص آبیاری کردن نخل‌ها قضاوت نمود به این که از نفع رساندن به دیگران خوداری نمی‌شود؛ یعنی این که وقتی درختان خودتان را آبیاری کردید، از باقی‌مانده آب برای آبیاری درختان دیگران ممانعت نکنید. و در بین اهل بادیه قضاوت نمود به این که کسی زیادی آبش را منع نمی‌کند تا دیگری از پر گیاه شدن زمینش منع شود و فرمود: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۹۳).

از طرفی شیخ انصاری در کتاب فرائد الاصول مطرح می‌کند که «منظور از نفی ضرر را نفی احکام ضرری می‌داند؛ یعنی «لا» در معنای نفی به کار رفته و کلمه «حکم» را باید در تقدیر گرفت؛ بنابراین، مراد این است که «لا حکم ضرری فی الاسلام»؛ یعنی احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد در اسلام وجود ندارد» (انصاری، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۴۶۰). بر اساس این قاعده کسی حق ندارد به دیگری ضرر برساند و حق ندارد به دیگران اجازه دهد به او ضرر



برسانند و این نگاه در سراسر ابواب فقهی جاری است و انواع ضرر و اضرار را در بر می گیرد؛ پس ضرر رساندن به طبیعت را نیز شامل می شود. از این رو قاعده لاضرر به مثابه مبنای فقهی استواری برای چارچوب بندی فقهی مسئله حفظ طبیعت و جلوگیری از آسیب رساندن به آن است؛ زیرا تخریب محیط زیست ارتباط مستقیمی با زندگی انسان ضرر و آسیب به او می شود.

۲. قاعده «اتلاف»

یکی از قواعد مشهور فقهی که فقهای شیعه آن را موجب ضمان می دانند، «قاعده اتلاف» است. مفاد این قاعده در «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» مندرج است؛ یعنی هر کس مال دیگری را بدون اذن او تلف کند یا مورد بهره برداری قرار دهد، ضامن است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۱). در توضیح مفهوم «مال»، غالباً گفته می شود که مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند. بی شک، نگاه فقه به محیط زیست هم ناظر است و می توان آن را به صورت مالی که انسان و خداوند به صورت طولی مالک آن هستند در نظر گرفت.

مستندات این قاعده قرآن، روایات، اجماع و عقل هستند. آیه شریفه «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» «هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید» (بقره، آیه ۱۹۴). مستند این قاعده در قرآن است که شیخ طوسی در مبسوط به آن اشاره نموده است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۶۰).

اکنون می توانیم مسائل زیست محیطی را در چارچوب این دو قاعده سامان دهیم؛ برای مثال قطع بی رویه درختان و تخریب فضای سبز؛ نمونه های بارز ضرر و اتلاف هستند؛ همچنین است:

۱. بهره برداری بی رویه و غیر مجاز از جنگل ها؛
۲. تولید بیش از حد زباله ها، خاصه زباله های تجزیه ناپذیر در طبیعت؛

۳. آلودگی آب ها که منبع حیات بسیاری از موجودات هستند از طریق ریختن زباله های خانگی و صنعتی در آب؛

۴. تردد خودروهای آلاینده و غیر استاندارد که نقص فنی دارند؛

۵. آلودگی صوتی که شهرهای بزرگ تأثیرات منفی جسم و روان انسان و همچنین زندگی اجتماعی می گذارد؛

۶. و شکار غیر مجاز حیوانات که چرخه طبیعی محیط زیست را برهم می زند.

این نگاه پیشرو در فقه را می توان در فتوای آیت الله مکارم شیرازی به خوبی مشاهده کرد؛ آن جا که ایشان در پاسخ به استفتاء در باب بریدن درختان جنگل که منبع اصلی اکسیژن هستند، فرمودند: «هر کاری که موجب ضرر و زیان مسلمین، در کوتاه مدت یا درازمدت می شود، جایز نیست، و لازم است مردم مسلمان در این گونه مسائل، که با محیط زیست انسان ها ارتباط شدید دارد، کاملاً هوشیار و مراقب باشند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ج ۲، ص ۱۸۸).

از این رو چنین استدلال می شود که هر کس به طبیعت و محیط زیست - که سرمایه همگانی بوده و سلامت افراد جامعه به آن وابسته است، و نیز مالک اصلی آن خداوند است، آسیب برساند و آن را تلف کند در مقابل آن ضامن است. امیرمؤمنان (ع) فرمودند:

«کسی که بیهوده حیوانی را بکشد، درختی را قطع کند، گیاهی را از بین ببرد، خانه ای را خراب کند و یا چاه و جویباری را کور کند، باید معادل قیمت آنچه را که از بین برده یا فاسد کرده بپردازد و چند ضربه شلاق تعزیری نیز بخورد. اما اگر این اعمال را از روی اشتباه و به صورت غیر عمدی انجام داده باشد، تنها غرامت بپردازد و دیگر زندان و توبیخ لازم نیست» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۸، ص ۱۹۹)؛ با توجه به دو قاعده مذکور امام خمینی (ره) درباره زیاده روی در مصرف آب چنین فرمودند: «زیاده روی

به نحو غیر متعارف حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد موجب ضمان است.» (امام خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۶۲۱).

ماده ۱۰۵ قانون مدنی در این رابطه را نیز می توان بر اساس دو قاعده «لاضرر» و «اتلاف» توضیح داد. بر مبنای این ماده قانونی: «کسی که حق الارتفاق در ملک غیر دارد، مخارجی که برای تمتع از آن حق لازم شود به عهده صاحب حق می باشد، مگر این که بین او و صاحب ملک بر خلاف آن قراری شده باشد.» (منصور، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳). این قاعده در محیط زیست نیز صادق است؛ چنان که کسانی مانند صاحبان تأسیسات صنعتی و کارخانه ها که از طبیعت بهره می کشند، اگر خسارتی به طبیعت برسانند، ملزم به جبران آن و پرداخت غرامت در قبال آن هستند. همچنین افرادی که به اشکال مختلف مانند ماهیگیری، چرای دام، تفریح در طبیعت و مانند این ها از طبیعت بهره می برند، چنانچه در اثر آسیبی به طبیعت و محیط زیست بزنند، باید آن را جبران کنند.

در همین رابطه در کتاب حقوق مدنی به نقل از ماده ۱۲۸ قانون مجازات عمومی آمده است: «هر گاه کسی در اثر فعلی که قانوناً ممنوع است به دیگری خسارت وارد آورد، ضامن آن است؛ خواه آن فعل جرم باشد، چنان که کسی درختان شوارع عمومی را قطع یا تلف کند و خواه آن فعل جرم نباشد، چنان که راننده ای در تاریکی شب بدون توجه با اتومبیل خود از مزرعه کسی بگذرد و به زراعت او خسارت وارد آورد.» (امامی، ج ۱، ص ۳۹۸). افزون بر قواعد و دقت های فقهی که بیان شد، احکام فقهی بسیاری درباره طبیعت وضع شده است، از جمله احکام کتاب طهارت که ارتباط نزدیکی با محیط زیست دارند. این احکام به مثابه مؤیداتی برای شمول نکات فقهی حوزه محیط زیست به شمار می آیند؛ چنان که احکامی نظیر منع قطع درختان و صید حیوانات در حج، احیای زمین موات، انفال، مزارعه، مساقات، احکام جهاد و

مانند اینها وجود دارد که متضمن مباحث زیست محیطی است و سعی می کنیم برای توضیح و تقویم چارچوب فوق اشاراتی به آنها بکنیم.

۱. احکام طهارت

واژه طهارت، یعنی پاکیزگی و در شرع به معنای بکار بردن طهور است، به شرطی که همراه با نیت باشد. طهور نیز عبارت از آب و خاک می باشد. بنابراین احکامی که مربوط به آب و خاک باشند در اینجا مورد بحث می باشند. (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱). آب و خاک که مهم ترین عناصر طبیعت هستند و افزون بر این که پاک هستند، مطهر و پاک کننده نیز به شمار می روند. آب مهم ترین مطهر است؛ زیرا سایر مطهرات اشیای خاصی را پاک می کنند، آب، هر نوع متنجسی را پاک کرده و پاک کننده بعضی از اعیان نجسه مانند مردار انسان نیز هست که با تمام شدن سه غسل پاک می گردد. البته مطهر بودن آب شرایط ویژه ای مانند مطلق بودن آب، پاک بودن آب، نماندن چیزی از نجاست در شیء نجس و نبودن مانعی در رسیدن آب به چیز نجس دارد. (وحیدی، ۱۳۷۶، صص ۱۰۳-۱۰۰). خاک نیز از دیگر عناصر طبیعت است که در زمره مطهرات قرار دارد و احکامی در بحث تیمم، پاک کردن کف پا و کفش نجس، خاک مال کردن ظرفی که سگ لیسیده دارند که بسیاری از این احکام در بررسی خاک در طبیعت بیان شد.

۲. توجه به محیط زیست در احکام حج

فتاوایی درباره طبیعت در احکام حج بیان شده است در رابطه با حرمت قطع درخت در محدوده حرم و حرمت صید حیوانات خشکی است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «...مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است...» (مائده، ۹۶). امام خمینی (ره) در این باره، قطع درخت و گیاه حرم را بر محرم و غیر محرم حرام می داند و برای کندن درخت بزرگ، یک گاو و برای کندن درخت کوچک، کفاره دادن یک گوسفند را واجب می داند. (موسوی خمینی، بی تا، ص ۱۱۵).

آیت الله مکارم نیز شکار حیوانات صحرایی یا ذبح آنها را در حال احرام، حرام اعلام کردند و همچنین شکار پرندگان یا حتی نشان دادن شکار به شخص شکارکننده یا خوردن گوشت شکار را حرام می دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۵۴). آن چیزی که از این فرمایشات به نفع حرمت تخریب محیط زیست استفاده می کنیم این است که بهره کشی از محیط زیست گاهی به صورت مطلق (هنگام حج) و گاهی به صورت بهره وری مناسب (عدم تخریب به جهت ضمان) در فقه متبلور است و نمی توان با اهمال از آنها گذشت. ضمن این که در دین اسلام می توانیم راهکارهایی عینی برای مراقبت از محیط زیست بیابیم که خود نشان دیگری از ایده حرمت تخریب محیط زیست و توجه به نگهداری و سالم سازی آن است.

خداوند متعال همه موجودات عالم را به بهترین شکل ممکن و در راستای هدفی مشخص خلق کرد؛ به گونه ای که تمام اجزای هستی بر یکدیگر تأثیرگذار باشند. در این زنجیره خلقت انسان مهم ترین حلقه نظام آفرینش است و دنیا چونان مزرعه آخرت معرفی شده است؛ چنان که خداوند در سوره نجم فرمودند: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنْ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (نجم، آیات ۴۰-۳۹) هیچ یک اعمال فردی و اجتماعی انسان از آموزه ها و احکام اسلام خالی نیست. به خلاف عده ای که دین را در انزوای مسجد و محراب تفسیر می کنند و بر این باورند که تنها بخش کوچکی از احکام اسلام به فعالیت های مختلف اجتماعی و فردی اختصاص دارد، پرداخت به طبیعت از جمله مسائل مهم در حوزه فردی و اجتماعی اسلام است؛ زیرا انسان از بدو تولد تا هنگام مرگ با محیط زیست طبیعی ارتباطی تنگاتنگ دارد و بدون طبیعت زندگی برایش ممکن نیست. بنابراین آموزه های اساسی اسلام را در حفظ و نگهداری آن باید احیا کنیم و همواره مد نظر قرار دهیم.

وظایف حقوقی و اخلاقی محیط زیست بر انسان

در مبحث حقوق محیط زیست این موضوع بررسی می شود که انسان در برابر بهره برداری از طبیعت چه وظایف و حقوقی برگردن دارد. حقوق حیوانات، گیاهان و بطور کلی همه مواهب طبیعی و زیست محیطی کانون بررسی این حقوق است. به این ترتیب اسلام برای حیوانات نیز ارزش و حرمت قائل شده است و اگر چه یکی از دلایل خلقت حیوانات بهره وری انسان هاست، اما این بهره وری بی حد و حصر نیست و حیوانات محترم هستند و به دلیل همین احترام، ضوابط شرعی و اخلاقی و قوانین حمایتی و حقوقی بسیار دقیقی برای حیوانات وضع شده است که الزام آور هستند. از این رو ضایع کردن حقوق حیوانات که جزئی مهم از محیط زیست هستند؛ یعنی آسیب رساندن به طبیعت، که مصداق بارز قاعده لاضرر و قاعده اتلاف می شود. نظر فقه اسلامی را درباره این حقوق به اختصار بیان می کنیم.

۱. حق تغذیه

بر اساس شریعت اسلامی هر گاه کسی مالک حیوانی شود، بر او واجب است نیازهای حیوان را برآورد. از این رو اگر حیوان از محیط زیست خود تغذیه می کند، مالک باید حیوان را برای تأمین نیازهای خود آزاد بگذارد و اگر محیط زندگی حیوان زمینه تغذیه کافی را ندارد، واجب است مالک وسایل تغذیه حیوان را تأمین نماید. همچنین اگر حیوان نتواند به حد کافی تغذیه خود را اداره کند، واجب است مالک بقیه تغذیه او را به حد کفایت تأمین نماید. اوج پایبندی اسلام به حقوق حیوانات (به مثابه جزئی مهم از طبیعت و محیط زیست) را می توان در فتاوی علما مشاهده کرد؛ چنان که بر مبنای فتوای آیت الله جوادی آملی، حیوانات، اعم از اهلی یا وحشی حتی اگر در اختیار انسان نباشند، اگر در تغذیه و نگهداری نیازمند انسان باشند، انسان به حکم وظیفه شرعی و انسانی باید نیازهایش را برآورده سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۶۷۰). اهمیت حقوق غذای حیوانات تا جایی است که

اگر خوراک حیوان از هیچ راهی یافت نشود و فقط نزد فردی باشد که از فروش آن امتناع می کند و جان حیوان هم در خطر باشد، می توان آن خوراک را به زور از آن فرد گرفت تا حیوان زنده بماند و سپس باید قیمت آن را به مالکش پرداخت نمود، چنانکه این کار درباره انسان نیز با همین شرایط جایز است.

اگر حیوان، صاحب بچه شیرخوار باشد، باید به اندازه ای شیر او دوشیده شود که به اندازه کفایت بچه شیر در پستان مادر باقی بماند و اگر شیر فقط به اندازه تغذیه بچه حیوان است، دوشیدن او حرام است. همچنین دوشیدن حیوانی که بچه ندارد، اگر دوشیدن شیر برایش ضرر داشته باشد، مانند اینکه حیوان تغذیه کافی نداشته باشد، حرام است. بر مبنای فقه اسلامی اگر حیوانی تشنه و در معرض مرگ باشد و انسان قصد وضو گرفتن جهت نماز داشته باشد و آب به اندازه ای نیست که هم حیوان سیراب شود و هم بتوان وضو گرفت، باید حیوان را سیراب کرده و به جای وضو، تیمم نمود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۶۷۸).

۲. حق بهداشت و درمان

از دیگر حقوقی که اسلام برای حیوانات در نظر گرفته است بهداشت آنهاست؛ زیرا زیستگاه آلوده و آب و خوراک ناسالم به سلامت آنها آسیب می رساند. همچنین داروهای ضروری حیوان، باید توسط صاحب حیوان تهیه شود. صاحب جواهر هزینه هایی که برای بقای حیوان لازم است را واجب می داند. از جمله این هزینه ها می توان به هزینه های بهداشتی و درمانی اشاره نمود؛ چنان که می فرماید: «كما يجب بذل المال لإبقاء الأدمی يجب بذله لإبقاء البهيمة المحترمة» (نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۲۷، ج ۳۶، ۴۳۷-۴۳۶).

در روایات نیز بر پاکیزگی و بهداشت حیوانات تأکید شده است. در یکی از روایات پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «تَطَفُّوا مَرَابِضَهَا وَ امْسَحُوا رُغَامَهَا»؛ «آغل آنها را پاکیزه

نگهدارید و خاک و خاشاک آن را بزداید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۵۴۴).

۳. حق استراحت

هر جاندار زنده ای به استراحت نیاز دارد. در این راستا باید برای حیوان مکان مناسب مانند علفزارها و زمان مناسب را برای استراحت آنها در نظر گرفت و هنگام استراحت آنها، خاصه در هنگام شب از کاری که موجب سلب آسایش آنهاست پرهیز نمود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۸۰).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «إذا ركبتم هذه الدواب فاعطوها حظها من المنزل»؛ «هر گاه حیوانات را به خدمت گرفتید، در استراحت گاه ها به آنها فرصت استراحت بدهید.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، به نقل از الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۰۲).

همچنین امام علی (ع) به مأموران مالیات سفارش فرمودند:

«و در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن بر او سخت است بنمایند. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده هایی که دو طرف آن علف زار است به جاده بی علف نکشاند و هر چندگاه شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هر گاه به آب و علف زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند» (سیدرضی، ۱۳۸۳، صص ۳۶۱-۳۶۰).

۴. حق تولید مثل

انسان حق ندارد حیوانی را به دلیل شهوت زیاد یا دلایل دیگر عقیم و آن را از حق تولید مثل محروم گرداند. پیامبر (ص) و معصومین (علیهم السلام) از عقیم کردن حیوانات نهی نموده و آن را ناپسند می شمردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۶۸۳-۶۸۲). امام صادق از پدرش امام باقر (ع) در همین رابطه می فرماید: «ایشان، عقیم سازی و درگیر کردن حیوانات با هم و ایجاد زد و خورد بین آنها را ناپسند می شمرد.» (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۱۰، ص ۱۹۱).

۵. حق مطالبه دوستی و توجه

حیوانی که بر دست انسان پرورش می یابد به گونه ای حق دوستی بر ذمه انسان می گذارد. که سزاوار توجه است، از این رو در فقه اسلامی سر بریدن حیوانی را که انسان خودش پرورش داده کراهت دارد. این مطلب در کلام و عمل معصومین (علیهم السلام) بیان شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۸۴). امام سجاد (ع) در آخرین ساعات عمرشان به فرزند عزیزشان امام باقر (ع) سفارش فرمودند که شتری را که بر او بیست بار حج گذارده بودند پس از مرگ، دفن کند تا درندگان گوشت او را نخورند. «إِنِّي قَدْ حَجَّجْتُ عَلَى نَاقَتِي هَذِهِ عَشْرِينَ حَجَّةً فَلَمْ أَقْرِغْهَا بِسَوْطٍ قَرَعَةً فَإِذَا نَفَقَتْ فَأَذْفِنُهَا لَا يَأْكُلُ لَحْمَهَا السَّبَاعُ». (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۵۰).

امام رضا (ع) در پاسخ به کسی که حیوانی را پرورشی داده و سپس ذبح نموده بود، فرمودند: «مَا كُنْتُ أَحِبُّ لَكَ أَنْ تَفْعَلَ لَا تُزَيِّنُ شَيْئاً مِنْ هَذَا ثُمَّ تَذْبَحْهُ»؛ «کار تو را نمی پسندم. نباید حیوانی را بیروزی، آنگاه سرش را ببری» (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۹، ۸۳).

۶. حق احترام

احترام به حیوان شامل زیبا نگه داشتن چهره حیوان، عدم سواری ناروا بر حیوان، عدم دشنام و لعنت بر حیوان و امثال این موارد است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، صص ۶۸۵-۶۸۴). امام صادق (ع) فرمودند: «لِكُلِّ شَيْءٍ حُرْمَةٌ وَحُرْمَةُ الْبَهَائِمِ فِي وُجُوهِهَا»؛ «هر چیزی حرمتی دارد و حرمت چهار پایان [سالم و زیبا نگه داشتن] صورت آنهاست» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۳۹). ایشان همچنین فرمودند: «وَلَا يَسْمُهَا فِي وَجْهِهَا»؛ «صاحب حیوان نباید برای نشانه گزاری بر چهره حیوان داغ نهد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۸۰۹).
امیر مؤمنان (ع) نیز فرمودند: «لَا تُقَبِّحُوا الْوُجُوهُ»؛ «کسی حق ندارد چهره حیوانی را [با داغ نهادن] زشت سازد. (صدوق: ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۸۷). پیامبر

اسلام (ص) از این که انسان، پشت حیوان را صندلی راحتی خود قرار دهد نهی فرموده است؛ چرا که چه بسا حیوانی که در اطاعت و یاد خدا از سوار خود بهتر باشد؛ «لَا تَتَخَذُوا ظُهُورَ الدَّوَابِّ كَرَاسِيٍّ فَرُبَّ دَابَّةٍ مَرْكُوبَةٍ خَيْرٌ مِنْ رَاكِبِهَا وَأَطْوَعُ لِلَّهِ تَعَالَى وَ أَكْثَرُ ذِكْرًا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۸۱۰).

اهمیت رعایت حقوق حیوانات در اسلام و احکام آن تا جایی است که امیر المؤمنین (ع) در پایان سفارش به مراعات حال حیوان به مأموران مالیات فرموده اند: «عمل به دستورات یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد شد. ان شاء الله» (سیدرضی، ۱۳۸۳).

بنابراین به نظر می رسد اسلام احترامی خاصی برای حقوق حیوانات قائل است و این احترام به دلیل نعمت حیات این موجودات است نه این که فقط جنبه اقتصادی یا عاطفی داشته باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

واژه «طبیعت» معانی متعددی دارد، از جمله سرشت، نهاد، سجه، مزاج و فطرت. همچنین در اصطلاح قرآنی، طبیعت به معنی زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باد، گیاهان و حیوانات است که همین معنای اصطلاحی در نظر است و نگارنده آن را با محیط زیست مساوق فرض کرده است. خداوند متعال انسان را خلق نمود و سرنوشت او را چنان رقم زد که در محیط زیست رشد کند. مظاهر طبیعی و نعمت های فراوانی که در دل طبیعت است نیز مواهب الهی است که در خدمت انسان قرار گرفته تا نیازهای او را بر آورد؛ چرا که خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات و جانشین خود بر روی زمین قرار داده است. اسلام تمام احکام و دستورات مورد نیاز بشر را با عنوان فقه در اختیار او قرار داده که به معنی موشکافی، ریزبینی و فهم و ادراک دقیق است. یکی از امور مهم که در فقه متبلور است، توجه ویژه به محیط زیست و مظاهر آن است. محیط زیست، بازنمای روح الهی در کالبد جهان است و به همین سبب،

مؤمنان محیط زیست را تنها بر اساس منفعت و رفع نیاز نمی‌گردند، بلکه نگاهی توأم با ستایش و حیرت به آن دارند. از طرفی انسان می‌تواند با نگاه بهره‌وری مادی گرایانه به آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، آلودگی‌های ناشی از زباله‌های شهری و نابودی زمین‌های کشاورزی، تخریب پوشش گیاهی، اختلال در اکوسیستم‌ها و زنجیره‌های طبیعی محیط زیست را نابود کند که این امر مصداق بارز ضرر و اتلاف است. همه این عوامل را می‌توان به مثابه نشانه‌هایی در نظر گرفت که محیط زیست تنها برای رفع نیازها نیست، بلکه به مراقبت و بهبود نیاز دارد و استفاده بی‌رویه و بی‌مبالاتی در مورد آن مشمول فعل حرام است. در این مقاله سعی کردیم به مدد چهار آموزه فقهی در مواجهه با محیط زیست، در چارچوب دو قاعده فقهی «لا ضرر» و «اتلاف»، و نیز دلایل عقلی و نقلی، حرمت عدم مراقبت از موهبت محیط زیست و لزوم حفظ و گسترش آن را نشان دهیم. این چهار آموزه عبارتند از: نهی از تغییر و دگرگونی در مظاهر خلقت؛ نهی از آزار و اذیت و اضرار؛ نهی از تخریب محیط زیست بدون ترجیح بالاتر و نهی از اسراف و زیاده‌روی. نگارنده بر این باور است که سیستم اخلاقی مسئولانه در بهره‌وری از طبیعت به مدد این عناصر سامان می‌یابد و هر انسان عامل به شریعت، با در نظر داشتن این عوامل می‌تواند به محیط زیست روی بیاورد و با محاسبه سود و زیان، بر اساس حلال و حرام دامنه کنش‌های خود در تعامل با محیط زیست را به صورت عینی و کاربردی مشخص کند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۳۷۸)، تهران، افست.
 نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۳)، گردآورنده: سیدرضی، قم، نشر الهادی.
 ۱. اسماعیلی، ذبیح‌الله (۱۳۸۸)، انسان و طبیعت در قرآن، قم، خاکیان.

۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۳. امامی، سیدحسن (بی‌تا)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی.
 ۴. الانصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۰)، فرائد الاصول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۵. بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی - محیط زیست، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
 ۶. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، قم، اسراء.
 ۷. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسین.
 ۸. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۹. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: نشر جامعه مدرسین.
 ۱۰. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۱۱. دبیری، مینو (۱۳۷۵)، آلودگی محیط زیست، تهران، نشر اتحاد.
 ۱۲. رستمی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، سیمای طبیعت در قرآن، قم: بوستان کتاب.
 ۱۳. شوشتری، مهدی (۱۳۸۵)، تحول و پویایی فقه شیعه، مشهد: پیام کلیدر.
 ۱۴. شهبابی، محمود (۱۳۵۰)، رساله لا ضرر، تهران، دانشگاه تهران.
 ۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ق)، من لا یحضره الفقیه (ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد صدر بلاغی)، تهران: نشر صدوق.
 ۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۰ق)، امالی الصدوق، بیروت، اعلمی.
 ۱۷. (۱۳۶۲)، الخصال، قم، نشر جامعه مدرسین.
 ۱۸. (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا، تهران: جهان.
 ۱۹. (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۶ بهار ۹۶
 No.46 Spring 2017

۲۳۹

۲۰. (بی تا)، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری.
۲۱. (۱۴۰۶ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشریف الرضی للنشر.
۲۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. القرضاوی، یوسف (۲۰۰۶)، رعايه البيئه في شریعه الاسلام، قاهره، دارالشروق.
۲۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹)، ترجمه توحید مفضل (شگفتیهای آفرینش)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، تهران، نشر الاسلامیه.
۲۷. (۱۴۱۰ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الطبع و النشر.
۲۸. (بی تا)، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰)، بحار الانوار، تهران، نشر الاسلامیه.
۳۰. (بی تا)، سوگندهای پر بار قرآن، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۳۱. (۱۴۲۷ق)، استفتانات جدید، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۳۲. (۱۴۲۶ق)، مناسک جامع حج، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۳۳. (۱۳۸۵)، دائره المعارف فقه مقارن، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۳۴. (۱۳۷۵)، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. مسلم، حجاج (بی تا)، الجامع الصحیح، بیروت، دارالجلیل، دارالآفاق الجدیده.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار (ج ۲)، قم: صدرا.
۳۷. منصور، جهانگیر (۱۳۸۴)، قانون اساسی، تهران: داوران.
۳۸. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۵)، قواعد فقهیه، تهران، انتشارات مجد.
۳۹. (بی تا)، مناسک حج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۴۲. وحیدی، محمد (۱۳۷۶)، احکام آبها، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.